

به نام خدا

## آئین سفر در هفت خان رستم و اسفندیار و حماسه ادیسه

مرکز اطلاعات مدرسه علمی ایران  
تهیه و درک

توسط

شیدا شاهسنی

۱۳۸۲ / ۱۱ / ۳۰

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از  
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

**فرهنگ و زبانهای باستانی ایران**

از

دانشگاه شیراز

شیراز، ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

امضاء اعضای کمیته پایان نامه

..... دکتر محمودرضا دستغیب بهشتی ، استادیار فرهنگ

و زبانهای باستانی ایران (رئیس کمیته)

..... دکتر گلنار قلعه‌خانی ، استادیار فرهنگ و زبانهای

باستانی ایران

..... دکتر فریده پورگیو ، دانشیار ادبیات انگلیسی

آبان ماه ۱۳۸۱

۴۷۱۱۵

**تقدیم بہ:**

**مادر خردمند و**

**ہمسر مہر پیشہام**

۴۷۱۱۲

## سپاسگزاری

منت و سپاس خدای را که گرداننده جهان است و نگاهدارنده جان و شکر باد او را که قلم را از برای انسان آفرید و انسان را از برای اندیشه و عرفان. هم اینک که از دریای بی‌کران معرفت وجودش تنها جرعه‌ای به قدر همت خویش نوشیدم و در لابلای تاریخ مردم این وادی در هر گوشه‌ای وجود لایزالش را به چشم جان دیدم، بر خویش لازم می‌دانم که نامی از بزرگان و اندیشمندانی که چراغ وجودشان روشنگر این راه بی‌نهایت بوده، برده باشم. استاد دانشمند جناب آقای دکتر دستغیب بهشتی که همواره راهنمای دانش‌آموختگان بوده‌اند و بانوان بزرگوار سرکار خانم دکتر قلعه‌خانی و سرکار خانم دکتر پورگیو که از پرتو هدایتشان بهره‌ها گرفتم و همچنین از استادان فرهیخته و اندیشمند، برادر گرانقدر و فرزانه‌ام آقای دکتر علی محمد شاه‌سنی و خواهر عزیزم خانم دکتر شهرزاد شاه‌سنی که پیمودن این راه دشوار را بر من آسان نمودند و همیشه از وجود ارزشمندشان توشه‌ها اندوختم، و سرکار خانم افراسیابی که بی‌دریغ یاریم نمودند و از تمام یارانی که همراهم بودند، سپاسگزارم.

چکیده

## آئین سفر در هفت خان رستم و اسفندیار و حماسه ادیسه

توسط

شیدا شاهسنی

اغلب ملت‌ها در ادبیات خویش دارای اساطیر و داستان‌هایی هستند که بیانگر آرزوها و تمایلات، تاریخ و بیان احساسات آن ملت است. قهرمانان در این داستانها اغلب سفری در پیش رو دارند که این سفر خود دارای آئین و مناسکی است. پژوهش فوق به بررسی نمادها و تصاویر، استعارات و وقایع پیش آمده در دو هفت خان رستم و اسفندیار و حماسه ادیسه می‌نشیند. شاهنامه فردوسی که یکی از بزرگترین آثار حماسی دنیاست با بیان وقایعی که اساطیر را تشکیل می‌دهند، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات کشور ما دارد. این اثر دارای قهرمانان و پهلوانان متعددی است و هر یک از آنان برای رسیدن به هدف خویش مراحل و سفرهای گوناگون و پر مخاطره‌ای را پیش رو دارند. بزرگترین قهرمان حماسی شاهنامه، رستم، نیز سفرهای متعددی را پشت سر می‌گذارد تا قهرمانی خویش را کامل کند. از مهمترین سفر این قهرمان گذر از هفت‌خانی است که هر یک از این خانه‌ها، خطری را در خود نهفته دارد و رستم با پشت سر گذاشتن این منازل مرتبه قهرمانی خود را بالاتر می‌برد. اسفندیار نیز که قهرمان دیندار شاهنامه

است و جویای نام و دل‌بسته‌ی سلطنت، برای نجات خواهران از بند ارجاسب هفت خانی را پشت سر می‌گذارد و پیروز و سربلند باز می‌گردد.

از طرفی در ادبیات یونان نیز اثرهای برجسته‌ی هومر، ایلید و ادیسه، جزو حماسه‌های برجسته جهان هستند. اولیس قهرمان حماسه ادیسه در حالی که از خانه و زن و فرزند دل می‌کند و به جنگ با یونانیان می‌رود، هنگام بازگشت با خطرات بسیار مواجه می‌شود و این امر باعث برجسته‌تر شدن نام این قهرمان می‌گردد.

این پایان‌نامه از ۷ فصل تشکیل شده است و گرچه این پژوهش اختصاصاً به بررسی مقایسه‌ای این سه اثر نمی‌پردازد اما هر جا که تشابه یا تفاوتی دیده شده، بازگو گردیده است. از طرفی بر طبق نظر جوزف کمبل که سفر را دارای سه مرحله (۱) جدایی (۲) دگرگونی (۳) بازگشت می‌داند پژوهش فوق نیز هر سه حماسه را بنابر این روند بررسی می‌کند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	..... سپاسگزاری
چهار	..... چکیده
شش	..... فهرست مطالب
۱	..... پاره نخست : مقدمه
۲	..... مقدمه
۷	..... پیشینه کار
۸	..... روش پژوهش
۹	..... اهمیت و هدف پژوهش
۱۱	..... پی نوشت
۱۲	..... پاره دوم : هفت خان رستم
۱۳	..... فردوسی و شاهنامه
۱۴	..... رستم
۱۶	..... هفت خان رستم
۲۰	..... خان یکم
۲۱	..... خان دوم
۲۲	..... خان سوم
۲۴	..... خان چهارم
۲۵	..... خان پنجم
۲۷	..... خان ششم

صفحه	عنوان
۲۸	..... خان هفتم
۳۱	..... شاه مازندران
۳۳	..... رزم کی کاوس
۳۸	..... پی نوشت
۳۹	..... <b>پاره سوم: هفت خان اسفندیار</b>
۴۰	..... اسفندیار و واژه‌شناسی
۴۰	..... اسفندیار در متون اوستایی
۴۲	..... اسفندیار در متون پهلوی
۴۳	..... اسفندیار در متون اسلامی
۴۴	..... اسفندیار در منظومه‌های حماسی و دینی
۴۴	..... اسفندیار در شاهنامه
۴۵	..... هفت خان اسفندیار
۴۶	..... خان اول
۴۷	..... خان دوم
۴۸	..... خان سوم
۴۸	..... خان چهارم
۵۱	..... خان پنجم
۵۲	..... خان ششم
۵۵	..... خان هفتم
۵۷	..... حمله به روئین دژ
۶۰	..... بازگشت
۶۱	..... پی نوشت
۶۳	..... <b>پاره چهارم: ادیسه</b>
۶۴	..... ادیسه

صفحه	عنوان
۶۵	ایلیاد .....
۶۶	ادیسه: شخصیت‌های اصلی .....
۶۶	ادیسه: شخصیت‌های فرعی .....
۶۸	خدایان یاری دهندهٔ اولیس .....
۶۸	خدایان بازدارندهٔ اولیس .....
۶۹	سرود اول .....
۷۱	سرود دوم .....
۷۳	سرود سوم .....
۷۵	سرود چهارم .....
۷۸	سرود پنجم .....
۸۰	سرود ششم .....
۸۱	سرود هفتم .....
۸۲	سرود هشتم .....
۸۴	سرود نهم .....
۸۷	سرود دهم .....
۹۰	سرود یازدهم .....
۹۳	سرود دوازدهم .....
۹۶	سرود سیزدهم .....
۹۸	سرود چهاردهم .....
۱۰۰	سرود پانزدهم .....
۱۰۳	سرود شانزدهم .....
۱۰۵	سرود هفدهم .....
۱۰۷	سرود هیجدهم .....
۱۰۸	سرود نوزدهم .....
۱۱۰	سرود بیستم .....

صفحه	عنوان
۱۱۲	..... سرود بیست و یکم
۱۱۳	..... سرود بیست و دوم
۱۱۴	..... سرود بیست و سوم
۱۱۵	..... سرود بیست و چهارم
۱۱۸	..... پی نوشت
۱۲۱	..... پاره پنجم: بررسی هفت خانهای رستم و اسفندیار
۱۲۲	..... حماسه
۱۲۹	..... اسطوره
۱۳۲	..... نماد
۱۳۹	..... قهرمان
۱۴۲	..... پهلوان
۱۴۴	..... گذری بر شخصیت رستم و اسفندیار
۱۵۶	..... هفت خوان یا هفت خان
۱۵۶	..... در آمدی بر هفت خانها
۱۶۲	..... بررسی مقایسه‌ای دو هفت‌خان رستم و اسفندیار
۱۷۴	..... پی نوشت
۱۷۶	..... پاره ششم: بررسی حماسه ادیسه
۱۷۷	..... بررسی حماسه ادیسه
۱۸۰	..... قهرمان هومری
۱۸۱	..... اولیس در منظومه هومر
۱۸۲	..... در آمدی بر حماسه ادیسه
۱۹۴	..... پی نوشت

صفحه	عنوان
۱۹۶	پاره هفتم: نتیجه گیری .....
۱۹۶	نتیجه گیری .....
۲۰۲	پی نوشت .....
۲۰۳	کتابنامه .....
	عنوان و چکیده به زبان انگلیسی .....

# پاره نخست

مقدمه

## مقدمه

هر ملت بزرگ باستانی، برای دوران تکوین خود حماسه‌ای دارد که باید به دست شاعر زبردستی زاینده و پرورده شود. حماسه تاریخ زنده است. نماینده روح ملتی است که هنوز نمرده است. پهلوان حماسه، شعله مرموز حیات جاودان یک قوم را در بر می‌گیرد. شخصیت‌های حماسه را موجودات مافوق طبیعی تشکیل می‌دهند و همواره هاله‌ای از تقدس قهرمانهای مثبت آن را فرا گرفته است.

حماسه‌ها بر بنیاد سرگذشت دلاورانه و سرشار از گذشت و قهرمانی استوار شده‌اند و خارج از روایات مذهبی، در سپیده دم تاریخ ظهور پیدا می‌کنند و در خلال آن، عده‌ای معین، شاخص و ممتاز می‌شوند و نمونه‌ها و سرمشق‌ها را به وجود می‌آورند و مورد تحسین و ستایش قرار می‌گیرند. این ظهور در دنیایی رخ می‌دهد که در آن مدام جنگ و پیکار در کار است.

حماسه، جای جای آداب و ترتیب زیستن و سرانجام جگونگی مردن یک جامعه را در خلال جملات خود بازگو می‌کند. در واقع حماسه نوعی آغازگری است. آفرینش کم و بیش بی نام و نشانی که در لابلای آن، تنها رویدادهایی را روایت می‌کنند که در خور روایت کردن است. این رویدادها برای عصر و زمانه‌ای طرح ریزی شده‌اند که در آن زمانها، زور بازو و نیروی جسمانی یا به عبارت دقیق‌تر، قدرتهای رزمی به شدت شایان توجه مردم و لازمه اصلی کار بوده و این شرایط، هاله‌وار در چهره پهلوان متجلی می‌شده است.

پهلوان نمادین جامعه " برای رسیدن به بلوغ روحانی و برای نشان دادن شایستگی خود، آزمونی دشوار را بر می‌تابد. قهرمان با روئی گشاده به پیشواز خطر می‌رود و سفرهای نمادینی را با رخدادهایی هولناک پذیرا می‌شود. این سفرها، سفرهای درونی و روحانی نیز می‌توانند باشند. از دیدگاهی، اگر بخواهیم کوتاه‌گونه مراحل دشوار و هولناک صورت مثالی قهرمان را برای استحال و رستگاری و نبوغ بازگو کنیم بدین گونه می‌تواند باشد:

الف) کاوش: قهرمان سفری طولانی را آغاز می‌کند که طی آن باید وظایف سنگین را به انجام برساند. جنگ با غولها، حل کردن معماهای بی پاسخ و چیرگی بر موانع غیر قابل عبور برای نجات مملکت و ...

ب) نو آموزی: قهرمان یک سلسله وظایف و مقدرات شکنجه‌آور را برای گذر از مرحله بی خبری و خامی آغاز می‌کند که به بلوغ فکری و اجتماعی یعنی بدل گشتن به عضوی بالنده و سازنده از گروه اجتماعی خود می‌انجامد. این مرحله از سه پاره تشکیل یافته است: ۱- رهسپاری و جدائی<sup>۱</sup> ۲- دگرگونی و تشریف<sup>۲</sup> ۳- بازگشت<sup>۳</sup>

ج) فدایی ایثارگر: قهرمان که نماینده رفاه قبیله یا مملکت است باید جان خود را به خطر اندازد و به کفاره گناهان مردم، تا دم مرگ رنج بکشد تا مملکت را به باروری و زاینده‌گی برساند.

در این رساله، ضمن بازگویی حماسه‌های مورد پژوهش و تحلیل هر یک از آنها، نشان خواهیم داد که هر کدام از حماسه‌های فوق، از الگویی که در بالا آورده شده تبعیت کرده‌اند. در آئین گذر یا سفر، بنیادی‌ترین نقش از آن "خان‌هایی، است که یک قهرمان باید آنها را بپیماید و این پیمودن در سفری دنیوی و مینوی روی می‌دهد. به سخن دیگر هر کار دشواری را که قهرمان برای تحقق آرمان آئین گذر بر می‌تابد، خانی است که از آن می‌گذرد گونه و شمار خانها در اسطوره‌ها و افسانه‌ها در پیوند با اسطوره‌های ملتها بوده گاه دارای یگانگی‌هایی هستند. ولی ویژگی سرشتین آنها، به همان نمادینگی آنهاست که در هر اسطوره و افسانه‌ای به گونه‌ای رخ می‌نمایند.

سفر و گذر در شعر شاعران پارسی گوی و همچنین در ادبیات و اساطیر ملل دیگر همیشه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است به طوریکه کمتر شاعر نکته‌دان و چیره دستی را سراغ داریم که در میان اشعار خود به گونه‌ای از سفر یاد نکرده باشد.

سعدی شاعر. پر آوازه قرن هفتم هجری، اهل شعر و مهاجرت بوده و همه را به سیر در آفاق و انفس توصیه نموده و مسافرت را وسیله کسب معرفت می‌داند. وی کسی را که مسافرت نکند و از خانه بیرون نرود، آدمی نمی‌داند و می‌گوید:

تا به دکان و خانه در گردی  
هرگز ای خام، آدمی نشوی  
برو اندر جهان تفرج کن  
پیش از آن روز کز جهان بروی<sup>۴</sup>

ابن یمین از شاعران معروف ایران در قرن هشتم هجری، آدمی را به سفر و مهاجرت

تشویق می‌کند:

کس خطر بی سفر کجا یابد؟	ای دل ار چند در سفر خطر است
مرد را در حضر کجا یابد؟	آنچه اندر سفر به دست آید
تابش ماه و خور کجا یابد؟	هر که چون سایه گشت سایه نشین
کام دل از هنر کجا یابد؟	گر هنرمند گوشه گیر بود
بر شکاری ظفر کجا یابد؟ <sup>۵</sup>	باز کز آشیان برون پرد

دهخدا، دانشمند معاصر نیز سفر را آموزگار آدمی دانسته و چنین می‌سراید:

سفر خزانه مال است و اوستاد هنر	سفر مربی مرد است و آستانه جاه
نه جوراره کشیدی و نه جفای تبر <sup>۶</sup>	درخت اگر متحرک شدی از جای

اما نکته‌ای که قابل بیان می‌باشد این است که اکثر افرادی که از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌روند اصالت خود را از دست نمی‌دهند و دوست دارند که به وطن خویش بازگردند و همان باشند که بودند. علاوه بر اشعاری که هر یک به نحوی سفر را به تصویر کشیده‌اند در ادبیات ایران و سایر کشورها بسیاری از متون به سفر و آئین آن اختصاص دارند. در ادبیات کهن ایران نیز آثاری از این دست بسیارند. مثلاً برای گشتاسب، پادشاه ایرانی، دو هفت خان بازگو شده است.

گشتاسب در شاهنامه شخصیت قابل احترامی نیست و تنها افتخارش گسترش دین بهی می‌باشد که بدان هم وابستگی چندانی ندارد، چرا که قهرمانش اسفندیار بوده و شهیدش زریر. علاوه بر آن مردی است که به قولش چندان پای‌بند نیست و در حسن نیت او شک است. در اولین هفت خان، گشتاسب که از بی‌اعتنایی پدر نسبت به خویش در رنج است راه دیار غربت را در پیش می‌گیرد و سرانجام سر از کاخ قیصر بر می‌آورد و از سوی کتایون دختر او به همسری برگزیده می‌شود. نخستین خان گذشتن از دریاست. در دومین خان گشتاسب به نزد اسقف می‌رود و خود را دبیر می‌خواند و از او می‌خواهد تا او را به کار بگمارد اما اسقف نمی‌پذیرد. در سومین خان گشتاسب به نزد چوپان قیصر می‌رود اما او نیز گشتاسب را به کار

نمی‌گیرد، در چهارمین خان به نزد ساریان قیصر می‌رود و از او می‌خواهد تا کاروانی شتر در اختیارش بگذارد اما او نمی‌پذیرد، در پنجمین خان به نزد بوراب آهنگر می‌آید وی نیز پس از آنکه گشتاسب با فرود آوردن نخستین پتک سندان را در هم می‌شکند عذر او را می‌خواهد پس از این رویدادهای خوش آغاز می‌شود. در ششمین خان هشیوی دهقان که از تبار فریدون است به سراغ گشتاسب که تنها و غمگین در سایه درختان نشسته است می‌آید او را به خانه خویش می‌برد و بدین ترتیب آوارگی شاهزاده ایرانی در روم پایان می‌پذیرد. در خان هفتم گشتاسب که در انجمن جفت‌گزینی کتابیون دختر قیصر شرکت کرده از سوی او به همسری انتخاب می‌شود. دومین خان روندی از رویدادهای دشوار و شگفت است که در همه آنها گشتاسب کامروا است. در خان نخستین، گشتاسب در حالیکه قیصر به کشتن او و کتابیون فرمان داده است با میانجیگری اسقف از مرگ نجات می‌یابد. خانهای دوم و سوم نبرد با گرگ و اژدهاست که گشتاسب از هر دو پیروز و کامروا باز می‌گردد. خان چهارم هنرنمایی گشتاسب در میدان چوگان بازی است که با نخستین زخم چوگان را ناپدید می‌کند و قیصر و درباریان زوم را به شگفتی می‌آورد و همین بهبود روابط او با قیصر را باعث می‌شود. خان پنجم نبرد با الیاس پسر مهراس است که گشتاسب پیروز می‌گردد. خان ششم وقتی است که قیصر به پشت گرمی زور بازوی گشتاسب (که نام مستعار فرخزاد بر خود نهاده) به ایران پیام می‌فرستد و لهراسب را به خراج گذاری رومیان فرا می‌خواند. گشتاسب به قیصر پیشنهاد می‌دهد که او را به فرستادگی به دربار ایران روانه کند. قیصر بدین، رضایت می‌دهد و گشتاسب به نزد ایرانیان می‌رود و لهراسب تاج و تخت را به او وامی‌گذارد. در خان هفتم گشتاسب قیصر را از هویت خویش آگاه می‌کند. همچنین برای اسکندر جهان گشای نیز هفت خانی را نگاشته‌اند که ترکیبی از هفت دیدار شگفت و هشدار دهنده و دوازده تنگناست. اسکندر بی‌آنکه از هشدارهای گوناگونی که در این جهانگردی پرمعنا به وی می‌دهند اندرز بگیرد به بهای از دست دادن انبوهی از سربازان خود از همه تنگناها گذر می‌کند و به پایان جهان می‌رسد. اسکندر در این هفت خان، هفت بار مورد نکوهش قرار می‌گیرد.